

اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری چین^(۱)

طهمورث چمن‌پور، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

آیین دادرسی کیفری در چین یکی از قوانین اساسی است که نقش مهمی در سیستم حقوقی چین بازی می‌کند. آیین دادرسی کیفری جمهوری خلق چین در اول ژولای ۱۹۷۹ تصویب شد و در هفدهم مارس ۱۹۹۶ اصلاح گردید. این قانون ۲۲۵ ماده دارد.

آیین دادرسی کیفری برای اطمینان از اجرای صحیح قانون کیفری جهت مجازات مرتکبین جرایم و محافظت از مردم و امنیت ملی و امنیت عمومی و حفظ قواعد جامعه‌ی سوسیالیست وضع شده است (ماده یک آیین دادرسی کیفری در چین).

آیین دادرسی کیفری ترکیبی از مجازات، جرایم و حمایت از حقوق انسانی است.

قانون اساسی و آیین دادرسی کیفری در چین هر دو اصول اساسی هدایت صحیح فرآیند دادرسی جنایی را در جهت اطمینان از تأمین هدف دادرسی کیفری و عدالت قضایی بیان می‌کنند. برخی از اصول مهم در دادرسی کیفری به شرح ذیل است:

الف) اصل عمل و قدرت (function and power)

نهادهای انتظامی، دادستانی خلق و دادگاه‌های خلق قدرتی را که توسط قانون جهت انجام فرآیند دادرسی کیفری در اختیار آن‌ها قرار داده شده است، اعمال می‌نمایند. این فرآیند شامل تحقیق، بازداشت، تعقیب و توقیف و بازجویی می‌شود. پذیرش بازداشت توسط نهاد دادستانی خلق صورت می‌گیرد. هدایت تحقیقات پرونده‌ها مستقیماً توسط واحدهای دادستانی انجام می‌گیرد و زمینه ساز سایر کارکردهای حمایتی و تعقیبی می‌گردد. دادگاه‌های خلق جهت دادرسی رسمی وارد عمل می‌شوند. در هدایت دادرسی کیفری سه نهاد فوق بایستی کلیه‌ی امکانات را میان خود تقسیم نمایند، تلاش هایشان را هماهنگ کنند و بر یک دیگر نظارت کنند. نهاد دادستانی خلق در طول دادرسی کیفری نظارت قانونی خود را اعمال می‌نماید.

ب) استدلال قضایی

براساس قانون، دادگاه‌های خلق حقوق قانونی خود را به طور مستقل اعمال می‌کنند و نهاد دادستانی خلق هم حقوق خود را به طور مستقل اعمال می‌کند. هیچ نهاد مدیریتی، اجتماعی یا فردی نبایستی در کار آن‌ها دخالت کند.

ج) دریافت حقایق به عنوان اصل و حقوق به عنوان معیار

در هدایت فرآیند دادرسی کیفری، دادگاه‌های خلق، نهاد دادستانی خلق و نهادهای امنیت عمومی بایستی از واقعیت‌های عینی که توسط شواهد تعیین می‌شوند به عنوان اصل و از حقوق کیفری، آیین دادرسی کیفری و دیگر قوانین به عنوان معیار استفاده کنند.

د) تساوی در مقابل قانون

در آیین دادرسی کیفری، قانون برای کلیه‌ی شهروندان به تساوی اعمال می‌شود و هیچ امتیازی در پیشگاه قانون چه از جهت ملیت، نژاد، جنسیت یا شغل و سوابق شخصی، اعتقادات مذهبی، درجه‌ی تحصیلات، دارایی یا وضعیت اجتماعی در نظر گرفته نمی‌شود.

ه) استفاده از زبان‌های محلی در دادرسی

شهروندان از گروه های قومی مختلف حق انجام دادرسی به زبان محلی و نگارش محلی خود را دارند. دادگاه های خلق، نهاد دادستانی خلق و نهادهای انتظامی - امنیتی خلق بایستی امکان ترجمه را برای طرف های دادرسی که امکان سخن گفتن و نوشتن به زبان مشترک را ندارند فراهم نمایند.

در مناطقی که توسط اقلیت های قومی یا گروه های مختلف قومی اشغال شده است، گوش دادن به دادرسی بایستی با زبانی که بیشتر در محل مورد استفاده قرار می گیرد، باشد و نوشته های مربوط به دادرسی، اعلامیه ها و دیگر اسناد بایستی با همان زبان منتشر گردد.

(و) آزادی استماع دادرسی (علنی بودن دادگاه ها)

دادگاه های خلق بایستی پرونده های دادرسی رسمی را جهت انتشار عمومی اعلام نمایند. منع شهروندان و رسانه ها و خبرنگاران جهت پوشش خبری ممنوع است، مگر در مواردی که بر اساس قانون، دادرسی بایستی خصوصی باشد (غیر علنی باشد) ولی احکام این دادگاه های غیر علنی نیز بایستی به اطلاع عموم برسد.

(ز) حق دفاع متهمین

مظنونین و متهمین حق دارند از خودشان در مقابل اتهام جنایی وارده دفاع نمایند یا وکیل یا کسی دیگر را برای مشورت انتخاب کنند. یک مظنون به اتهام جنایی می تواند بعد از این که اولین بار توسط مقام تحقیق بازجویی شد یا از روزی که اقدامات قانونی علیه وی انجام گرفت، یک وکیل بگیرد تا امکان مشاوره ی حقوقی برای وی فراهم آید. اگر پرونده پیچیده باشد وکیل مدافع جهت دفاع در دادگاه حاضر می شود. در آیین دادرسی کیفری سیستم معاضدت قضایی نیز در دادرسی گنجانده شده است. اگر متهم نابینا، کر، لال یا کودک و یا محکوم به مرگ باشد و هنوز کسی را به عنوان وکیل مدافع انتخاب نکرده باشد، دادگاه خلق بایستی یک وکیل برای وی در نظر بگیرد. در این حالت معاضدت قضایی اجباری است تا امکان دفاع از وی فراهم شود.

(ح) حفظ حقوق طرف های درگیر در فرآیند دادرسی

دادگاه های خلق، نهاد دادستانی خلق و نهادهای امنیت عمومی وظیفه دارند حقوق دادرسی را برای طرف های درگیر در فرآیند دادرسی مطابق با قانون فراهم نمایند.

طرف های درگیر در فرآیند دادرسی حق اقامه دعوی علیه قضات، نهاد دادستانی یا بازجوایی که اعمال خشونت نموده یا فراتر از قانون رفتار نموده یا باعث فریب و اغوا اشخاصی گردیده را دارند.

(ط) محکومیت بایستی بر اساس حکم دادگاه باشد.

یا به عبارتی هیچ کسی نباید بدون حکمی که از دادگاه خلق و براساس قانون صادر می گردد محکوم شود. (این همان اصل مشهور قانونی بودن مجازات است).

فقط دادگاه های خلق حق محکومیت فرد را دارند و هیچ ارگان دولتی دیگر این حق را ندارد. هیچ شهروندی نباید قبل از این که به دلیل ارتکاب یک جرم توسط دادگاه های خلق و براساس قانون محکوم شود، مجرم محسوب گردد.

(ی) آیین دادرسی مخصوص خارجیان

این آیین دادرسی مخصوص خارجیان است که با مصونیت دیپلماتیک مرتکب جرایمی شوند و مسئولیت کیفری آن ها محقق شود، این پرونده ها بایستی از طریق کانال های دیپلماتیک حل و فصل شود.

ادله ی اثبات دعوی در آیین دادرسی کیفری

هشت نوع دلیل در نظام جزایی چین پذیرفته شده است:

۱- مدرک مادی

۲- مدرک مستند

۳- شهادت شاهد

۴- اظهارات قربانیان

۵- اظهارات مظنونین یا متهمین جنایی که تبرئه شده‌اند.

۶- نتایج نظریات و ارزیابی‌های تخصصی

۷- صورت مجلس‌های بازرسی

۸- آزمایش مواد دیداری و شنیداری

قوانین مربوط به ادله ی اثبات دعوا در چین

الف) مدرک باید دقیق و مستدل باشد:

مدرک و ادله ی جمع آوری شده قبل از این که در یک پرونده مورد استفاده قرار بگیرد، بایستی از لحاظ صحت و دقت مورد ارزیابی قرار گیرد.

ب) جمع آوری دلایل باید قانونی باشد:

کارمندان قضایی، کارمندان نهاد دادستانی و کارمندان تحقیق بایستی انواع دلایلی را که می‌تواند جرم متهمین یا مظنونین را ثابت نماید، بر اساس قانون جمع آوری کنند. استفاده از شکنجه برای گرفتن اعتراف و جمع آوری مدارک توسط ترساندن، اغوا، حيله و فریب یا هر روش غیر قانونی دیگر به شدت منع شده است.

مدارکی که با از شکنجه یا روش‌های غیر قانونی دیگر به دست آید، در هیچ پرونده‌ای قابل استفاده نیست.

ج) ادله ی اثبات جنایات:

برای اثبات یک جنایت باید دلیل، قابل اعتماد و کافی باشد. "قابل اعتماد" به این معنی است که کلیه ی دلایل بر اساس واقعیت باشد.

"کافی" به این معنی است که مدرک واقعی در حدی باشد که ارتکاب عمل جنایی توسط متهم را کاملاً توجیه کند، در حد کفایت باشد و جایی برای هیچ گونه شکی باقی نگذارد.

د) کتمان واقعیت:

کارمند قضایی، کارمند نهاد دادستانی و کارمند تحقیق بایستی در برابر واقعیات صادق بوده و واقعیات را گزارش نمایند. هر کس عمداً حقایق را پنهان نماید، بایستی مورد تحقیق قرار گیرد.

ه) نقش تحقیقات تخصصی:

برای تصمیم گیری در پرونده‌ها تأکید بایستی بر وجود دلیل و تحقیقات تخصصی باشد و نبایستی به اظهارات افراد عادی اعتماد نمود. در پرونده‌هایی که فقط اعترافات متهم وجود دارد و دلیل دیگری وجود ندارد، نمی‌توان حکم به محکومیت متهم داد و وی را مجازات نمود.

بالعکس در پرونده‌هایی که اعتراف متهم وجود ندارد ولی مدرک کامل و قابل اعتمادی وجود دارد، ممکن است متهم مجرم تشخیص داده شود و مجازات گردد.

انواع قرارهای اجباری

قرارهای اجباری روش‌های اجباری است و در جرایمی که مستلزم مجازات‌های سالب یا محدود کننده ی آزادی است به کار گرفته می‌شود تا امکان انجام موفقیت آمیز دادرسی فراهم گردد. قرارهای اجباری، تحقیقات جنایی را مؤثرتر و سالم تر می‌نماید و از طرفی نیز از صدمه به آزادی شهروندان جلوگیری می‌کند. پنج نوع قرار اجباری توسط قانون جنایی پیش بینی شده است:

الف) احضار

به این معنی است که مظنونین یا متهمین جنایی برای پاسخ گویی به سئوالات و بازجویی‌ها فرا خوانده می‌شوند. زمان بازجویی نایستی بیش از دوازده ساعت باشد. یک مظنون یا متهم جنایی نباید تحت فشار، بازجویی شود.

ب) قرار کفالت یا وثیقه در دادرسی‌های طولانی

در آیین دادرسی چین قرار تحت عنوان قرار ضمانت آورده شده است و به این معنی است که از مظنون یا متهمی که در بازداشت نیست، خواسته می‌شود یک کفیل معرفی نماید یا وثیقه ی مالی بگذار یا قول شرف بدهد تا در هر زمان که احضار شد، حاضر گردد. این مدت نایستی از دوازده ماه تجاوز کند.

ج) عدم خروج از اقامتگاه (residential surveillance) یا نظارت بر اقامتگاه

به این معنی است که یک مظنون یا متهم نایستی محل اقامت یا محدوده‌ای را که برایش تعریف می‌شود، ترک نماید. مدت این قرار بیش از شش ماه نیست.

د) بازداشت (Detention)

به این معنی است که در وضعیت فوق یک مظنون مهم یا از لحاظ جنایی فعال را برای یک دوره ی کوتاه مدت از آزادی محروم کرده، دستور بازداشت توسط رؤسای انتظامی یا نهاد دادستانی صادر می‌گردد. یک دستگاه انتظامی بایستی ظرف بیست و چهار ساعت پس از بازداشت از متهم بازجویی کند. قرار بازداشت نایستی از چهارده روز تجاوز کند. محدودیت زمانی بازداشت فقط در حالتی که یک مظنون مهم در جرایم متعدد که بایستی مداوماً از جایی به جای دیگر نقل مکان کند یا در باندهای خلاف و آدمکشی (gang) شرکت داشته، ممکن است افزایش یافته و تا سی و هفت روز برسد.

ه) توقیف (Arrest)

به معنی دستگیری و جلب مظنونین یا متهمین است. این محدودترین قرار محدود کننده آزادی است که سلب آزادی کوتاه مدت را به دنبال دارد.

دستور توقیف توسط رؤسای نهاد امنیت عمومی بعد از اثبات جرم یا تصمیم نهاد دادستانی یا دادگاه‌های خلق صورت می‌گیرد.

محدودیت زمانی برای نگاهداری مظنونین جنایی طی دوره ی تحقیق پس از توقیف اعمال می‌شود و نباید بیش از دو ماه باشد. در پرونده‌های خاص این مدت به هفت ماه می‌رسد.

مراحل دادرسی جنایی در چین

الف) تشکیل پرونده

این تصمیم برای قدم اول شروع دادرسی جنایی محسوب می‌گردد. مدیران نهادهای امنیت عمومی و دادستانی مواد مختلفی را که ممکن است در یک فعالیت جنایی درگیر باشند، آزمایش نموده و اگر اعتقاد پیدا کنند که مدرک جرم است و در تعیین مسئولیت جنایی متهم بایستی مورد تحقیق قرار گیرد، پرونده را جهت تحقیق ارسال می‌کنند.

ب) تحقیق

به این معنی است که در پرونده‌های مورد تعقیب عمومی، کار تحقیق تخصصی در صدور قرارهای اجباری مربوطه توسط رؤسای نهاد امنیت عمومی یا نهاد دادستانی خلق بعد از تشکیل پرونده صورت می‌گیرد. هدف اصلی از تحقیقات، جمع آوری دلیل و مدرک واقعیات جنایی و مشخص نمودن مظنونین جنایی است. مظنونین بایستی در صورت فرار یا اختفا دستگیر شوند.

فعالیت‌های تحقیقاتی شامل:

۱- بازجویی از مظنونین جنایی

۲- پرسش از شاهدان

۳- آزمایش و بررسی

۴- جستجو

۵- نمونه برداری مواد و مدارک مستند

۶- پی‌گیری و تقویم و ارزیابی با آن چه که درخواست گردیده

در نتیجه ی تحقیقات اگر واقعیات دلالت بر ارتکاب جرم توسط مظنون می‌نمود و مدرک قابل اعتماد و مناسبی وجود داشت به طوری که مظنون جرم را از لحاظ جنایی مسئول می‌شناخت، پرونده باید به نهاد دادستانی خلق جهت مرور و اتخاذ تصمیم جهت انجام تعقیب فرستاده شود.

ج) مهیا نبودن زمینه ی تعقیب عمومی و خصوصی

۱- در پرونده‌های تعقیب عمومی بعد از تحقیق اگر نهاد دادستانی خلق اعتقاد داشت که واقعیات در مورد مظنون به جرم دلیل قابل اعتماد و مناسبی وجود دارد که مظنون به جرم را از لحاظ جنایی مسئول بشناسد، ممکن است باعث تعقیب از طرف دادگاه خلق شود یا نشود. نهاد دادستانی خلق نیز ممکن است در پرونده ای جنایی در صورتی که مربوط به یک کودک باشد، تصمیم بگیرد تا مظنون جنایی را تعقیب نکند.

۲- در پرونده‌های تعقیب خصوصی، قربانیان این حق را دارند تا پرونده را مستقیماً در دادگاه خلق مطرح کنند. بعد از این که دادگاه خلق خلاصه‌ای از پرونده ی تعقیب خصوصی را آماده نمود، در صورتی که واقعیات در محور وقوع جرم محرز و مدارک کافی وجود داشت، دادرسی قضایی آغاز می‌شود و پرونده حالت قضایی به خود می‌گیرد.

ه) دادرسی در دادگاه بدوی (first Instance)

به این معنی است که دادگاه‌های خلق اولین دادرسی قضایی را به طور سنتی در دادگاه بدوی آغاز می‌کنند. در دادگاه بدوی، محاکمه حالت تفتیشی داشت و قاضی مدارک را مهیا و مورد ارزیابی قرار می‌داد ولی اکنون در قانون آیین دادرسی کیفری این شیوه تغییر کرده و حالت عکس را پیدا نموده و قاضی فقط در قبال استماع دلایل طرف‌های دعوا و پس از تعقیب و بررسی مدارک به اتخاذ تصمیم دست می‌زند.

برای پرونده‌های کودکان در دادگاه بدوی دادرسی مختصر و از یک قاضی به تنهایی استفاده می‌شود. در یک پرونده که در دادرسی اختصاری مورد تعقیب قرار می‌گیرد، نهاد دادستانی خلق ممکن است هیچ کس را به دادگاه نفرستد و مرحله‌ی استماع نیز ممکن است کوتاه باشد.

(و) دادرسی در دادگاه تجدیدنظر (second Instance)

در چین دادگاه‌های خلق مراتبی دارند که آخرین آن دادگاه عالی خلق است. اشخاصی که حق استیناف و تجدیدنظر در برابر محاکمات یا تصمیمات دادگاه بدوی و نهاد دادستانی را دارند در هر مرحله‌ای حق تقدیم اعتراض را نسبت به کلیه‌ی قضاوت‌ها و تصمیمات دادگاه بدوی دارند.

در تجدیدنظر اصلی وجود دارد که امکان افزایش مجازات را از میان می‌برد.

(ز) دادرسی در مورد محکومین به مجازات اعدام

مجازات‌های اعدام بایستی توسط عالی‌ترین دادگاه تأیید شود.

(ح) دادرسی در دادگاه عالی

به این معنی است که یک مرحله‌ی استیناف برای منتفی نمودن یا تأیید تصمیمات دادگاه‌های پایین‌تر وجود دارد. قضاوت‌ها و تصمیمات بلافاصله پس از این که از لحاظ قانونی تأیید شدند به مرحله‌ی اجرا در می‌آیند به درخواست‌هایی که در دادرسی در مرحله‌ی اجرا داده می‌شود از قبیل درخواست برای کاهش مجازات یا آزادی نیز پاسخ داده می‌شود.

مجازات مرگ بایستی توسط دو روش تیراندازی یا تزریق انجام گردد.

پی‌نوشت:

(۱) ترجمه‌ی متن مقاله‌ی نگاشته شده توسط «چن گوانگ زونگ = chen guangzhong» استاد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه پکن، سایت "enstar".